



ترجمہ

آداب النفس

تألیف
سید محمد عیناٹی
(از علمای قرن یازده)

جلد اول



ترجمہ و توضیحات
سید محمود طاہری



آیت اشراق

سرشناسه: عینائی، محمد بن محمد، قرن یازده ق.

عنوان قرارداد: آداب النفس. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: آداب النفس / سید محمد بن محمد بن حسن قاسم حسینی عینائی عاملی،

ترجمه و توضیحات: سید محمود طاهری.

مشخصات نشر: قم: آیت اشراق، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: جلد اول ۴۸۰ ص. جلد دوم ۵۰۵ ص.

مشخصات ظاهری: دو جلد

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۷۸-۲ شابک جلد اول

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۸۰-۵ شابک دوره

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: اخلاق اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: خودسازی - جنبه های مذهبی - اسلام

موضوع: آداب معاشرت اسلامی

شناخته افزوده: طاهری، سید محمود، مترجم.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ / ۹۴۰۴۱ / ۶۵ / ۲۴۷ Bp

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۶۱

شماره کتابشناسی: ۶۱۱۱۹۴۷



انتشارات آیت اشراق

ترجمه آداب النفس

سید محمد عینائی

جلد اول

مترجم

سید محمود طاهری

نشر آیت اشراق

قیمت دوره دو جلدی

۱۵۵۰۰۰۰ ریال

■ تیراژ: ۵۰۰ ■ نوبت چاپ: اول - ۹۹ ■ چاپ: گل وردی

■ شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۷۸-۲ ■ لیتوگرافی: پردیس

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۸۶

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۴۶۵۰ / ۰۲۵ ۳۷۷۴۹۶۲۸

پيام کوتاه: ۰۹۳۷۳۹۷۱۹۵۴

www.ayateeshraq.com ayat.eshraq@gmail.com

تمامی حقوق آثار انتشارات آیت اشراق برای ناشر محفوظ بوده،

و کپی از آنها به هر شکلی (دیجیتالی، صوتی، تلخیص و...) ممنوعیت قانونی و شرعی دارد.

فهرست مطالب

مقدمه / ۹

دییایچه مصنف / ۱۷

۲۲	اهمیت تهذیب نفس
۲۳	ممکن بودن تهذیب نفس و تغییر خُلق آدمی
۲۶	تعادل میان غرایز
۲۸	عدالت (حدّ وسط) یا همان صراط مستقیم
۲۹	مصادق‌هایی از «حکمت»، «شجاعت»، و «عِفّت»
۳۴	انواع ادب
۳۵	ترجیح دادنِ اهتمام به نفس بر اهتمام به بدن
۳۶	انواعِ نفس
۳۷	غافل نشدن از درمان بیماری‌های نفسانی
۳۸	درباره معرفت نفس
۳۹	چگونگی معرفت نفس
۵۷	اعتماد نمودن به اهل دین و علمای ربّانی برای تهذیب اخلاق
۶۰	گوناگون بودن شیوه‌های تهذیب نفس درباره عوام و خواص

فصل اول / در ترغیب نسبت به طاعات، و زهد ورزیدن نسبت به دنیای فانی / ۶۷

فصل دوم / درباره عزلت و خلوت گزیدن / ۸۷

۹۰	روان شناسی افراد گریزان از خلوت و عزلت
۹۷	برخی از مزایای عزلت
۱۰۲	از آفات معاشرت با مردم
۱۰۵	دغدغه مندی نسبت به دیگران، شرط احوالپرسی صادقانه از آنها
۱۱۰	از آداب عزلت
۱۱۵	عزلت حقیقی

فصل سوم / در همنشینی با انسان های پاک، و انس با اخلاق شایسته / ۱۲۳

۱۲۸	در خوشرویی و تبسم به هنگام دیدار با مردم
۱۳۳	ستون های چهارگانه مصاحبت و همنشینی
۱۳۸	درجات چهارگانه مواسات با برادران دینی
۱۴۷	بیان مصداق هایی از همنشین ها
۱۶۱	حکایت (از آداب رفتار با همسفر در مسافرت)

فصل چهارم / در ادب نمودن نفس به وسیله عفت و تقوی و زهد و ورع / ۱۷۱

۱۷۱	مفهوم شناسی عفت
۱۹۶	معنای حقیقی زهد
۱۹۸	نقش دانش نسبت به حقیقت دنیا و آخرت در زهدورزی
۲۰۲	انواع زاهد ها
۲۰۴	قابل قیاس نبودن دنیا با آخرت
۲۰۵	زاهد کامل و راستین
۲۰۶	درجات ورع
۲۱۲	درباره باطن حقیقی دنیا
۲۱۶	خصلت های کامل کننده زهد

۲۱۹	طولانی شدن عذاب در روز رستاخیز، مصداقی از عذاب الهی
۲۳۸	معنای زهد حقیقی و راستین

فصل پنجم / مطالبی پراکنده / ۲۵۳

۲۶۱	سخنی درباره شکر
۲۶۲	در چیستی زهد
۲۶۴	در چیستی وجد

فصل ششم / در معارف و سعادت‌های نفسانی / ۲۶۹

۲۷۰	گروه‌های چهارگانه مردم
۲۷۶	انواع سعادت

فصل هفتم / در آداب نفس / ۲۸۷

۲۸۹	انواع مردم در ادب
۲۹۰	ادب طهارت
۲۹۱	از آداب نماز
۲۹۲	از آداب زکات عارفان و زاهدین
۲۹۴	از آداب روزه
۲۹۵	از آداب باطنی روزه
۲۹۶	از آداب حج
۲۹۷	از آداب باطنی حج
۲۹۸	از آداب قرائت قرآن
۲۹۹	از دیگر آداب سالکان

فصل هشتم / برخی از آداب سفر / ۳۰۷

۳۰۸	سفر معنوی
۳۰۹	در مزایای معنوی سفر

۳۱۱	انواع انگیزه‌های آدم‌ها برای مسافرت
۳۱۷	تفاوت «جمع» و «فرق»
۳۱۸	درباره «فنا» و «بقا»
۳۱۹	درباره «غیبت» و «حضور»

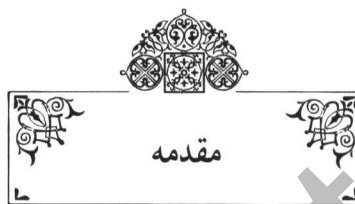
فصل نهم / پندها و موعظه‌ها / ۳۲۳

۳۴۷	در فضیلت و ستایش گرسنگی
۳۵۱	تبیین لقمه‌های پندگانه
۳۶۲	داستان

فصل دهم / در آداب نفس و مواعظ و احادیث نبوی و احوال و زهاد و سخنان آنها و درباره عُجب / ۳۷۱

فصل یازدهم درباره مرگ و یادآوری قبر و تشییع جنازه و عزاداری و مرثیه و خبر مرگ کسی و غیر آنها / ۴۱۵

۴۴۲	درباره چپستی مرگ و حیات جسدانی و نفسانی
۴۴۳	درباره نفس
۴۴۴	حکمت‌های نهفته در مرگ
۴۴۵	تمثیل نفس و جسد به کودک و مکتب
۴۵۱	در معنای صراط
۴۶۵	علم دین و علم بدن و اهمیت این دو



همان گونه که آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبائی رحمته الله علیه در مقدمه خود بر نسخه عربی کتاب «آداب النفس» آورده است، درباره زندگی نامه عالم عارف سید محمد عینائی، اطلاع چندانی در دست نیست، و در این باره، همه صاحبان تراجم، به اختصار از او یاد کرده اند؛ به گونه ایی که نگارنده این مقدمه، اطلاعی از اساتید و شاگردان او به دست نیاورده است.

صاحب «روضات الجنات» تنها به این موضوع اشاره می کند که: «مادرِ مادرش، دختر شیخ شهید ما، شهید ثانی رحمته الله علیه بوده است.»^۱

همو در ستایش از مقام والای علمی و معنوی او چنین می نویسد: «متبحراً جامعاً، متتبعاً بارعاً، متدیناً صالحاً، متعبداً ساجداً، فقیهاً عرفاناً، حکیمایمانیاً، شاعراً عفیفاً، وادیباً عریفاً.»^۲

صاحب «ریحانة الادب» نیز او را این گونه می ستاید:

۱. میرزا محمدباقر موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج ۷، ص ۸۸.

۲. همان

«محمد بن محمد بن حسن بن قاسم حسینی عینائی عاملی جزینی، از اکابر علمای امامیه می‌باشد که فقیهی است عرفانی، حکیمی است ایمانی، عابد زاهد، فاضل صالح، محدث حافظ، واعظ متبحر جامع، و ادیب شاعر است.»^۱

همچنین آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی رحمته الله علیه در مقدمه خود بر نسخه عربی کتاب آداب النفس می‌نویسد:

«سید محمد بن محمد بن حسن» مشهور به «قاسم حسینی عینائی عاملی» از بزرگان علمای امامیه است که از جایگاه والایی در علم و ادب برخوردار بوده، جامع معقول و منقول است. او از علمایی بود که مقام زعامت داشت، و واعظی توانا بود. او از «جبل عامل» به ایران - سرزمین بزرگان شیعه - مهاجرت و در مشهد مقدس رضوی سکنی گزید، و آثار گرانبهایی از خود به یادگار گذاشت.»

درباره کتاب حاضر

از این عالم بزرگ، آثار ارزشمندی به جای مانده است که یکی از آنها کتاب فاخر «آداب النفس» است. این کتاب، در برگیرنده عناوین فراوان اخلاقی است، که با بیانی شیوا و با آمیزه‌هایی از آیات و روایات و سخنان بزرگان و حکایاتی دلنشین همراه گردیده است. رویکردی علمی به بسیاری از مباحث اخلاقی و طرح دیدگاههای کلامی و عرفانی و فلسفی در این باره، جذابیّت ویژه‌ای به آن بخشیده است، و شیرینی بیان و لطافت گفتار آن، موجب شده است که مضامین اخلاقی آن - که به طور طبیعی بر طبع آدمی سنگینی می‌کند - به گوارایی و سهولت بردل و جان آدمی بنشینند.

آیت الله سید محمد علی قاضی تبریزی در مقدمه خود بر نسخه عربی کتاب یاد شده، در این باره می‌نویسد: «این کتاب از اندیشه والا و آزاداندیشی و تفکر منطقی نویسنده آن خبر می‌دهد، و گویای مقام فلسفی و حکمت عملی اوست. این کتاب، کتابی دینی، فلسفی، اجتماعی، عملی، اخلاقی است و از هر گونه جمود و پیچیدگی به دور است.»

توضیح بیشتر درباره این کتاب اینکه از آنجا که موضوع این کتاب بر محور «اخلاق» است، نقش فراوانی در برآوردن نیاز روحی آدمیان خواهد داشت؛ چرا که انسانها - چه برای آبادانی آخرت و چه برای سامان بخشیدن به دنیای خود - هیچگاه بی نیاز از «اخلاق» نیستند. و در این باره اهمیت اخلاق تا آنجاست که پیامبر گرامی اسلام ﷺ هدف از بعثت خود را، «رشد دادن اخلاقی انسانها» دانسته، می فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۱ (مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را به اتمام برسانم). براساس سخنی از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پای بندی به «اخلاق»، حتی برای کسانی که اعتقادی به ثواب و عقاب و جهان رستاخیز ندارند، بایسته و ضروری است؛ آن حضرت در این باره می فرماید: «لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا ثَوَابًا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، فَإِنَّهَا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ»^۲ (اگر هم به بهشت امید [و اعتقاد] نداشتیم، و از دوزخ نمی هراسیدیم و پاداش و کیفری در میان نبود، باز سزاوار بود که در طلب مکارم اخلاق بربیاییم؛ زیرا مکارم اخلاق، راه به سوی پیروزی و موفقیت دارد). بنابراین «اخلاق و پای بندی به مکارم اخلاق» نقش محوری در زندگی انسانها خواهد داشت، و تنها با پای بندی به اخلاق است که آدمی می تواند، هوس زیاده خواه خود را مهار کند و بر غریزه های سرکش خود، چیره شود، و به خواسته های بی پایان نفس خود، تعادل بخشد.

پیش از هر چیز نیاز به یادآوری است که: اینکه آیا اساساً آدمی می تواند خُلق و خوی خود را تغییر دهد یا خیر؟ نکته مهمی است که جناب مصنف در آغاز کتاب به آن می پردازد، و با اشاره به سخن دو نفر از بزرگان این فن - یعنی «خواجه نصیرالدین طوسی» و «امام محمد غزالی» - و همراه با استدلال، نتیجه می گیرد که خُلق و خوی آدمی، تغییر پذیر بوده، و او می تواند از خُلق و خوی ناهنجار و ناشایسته، به خُلق و خوی هنجار و شایسته، تغییر و تحوّل یابد.

ویژگی دیگر این کتاب اینکه، در مباحث اخلاقی اش، کتابی متعادل بوده، نه آدمی

۱. ملامحسن فیض کاشانی، علم الیقین، ج ۱، ص ۵۸۶.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۳.

را به سوی ریاضت‌های طاقت فرسا و نفس‌گیر سوق می‌دهد، و نه آموزه‌هایی کم‌مایه و سبک از مکارم اخلاقی ارائه می‌دهد؛ نه آدمی را به زهد مطلق نسبت به دنیا و مواهب آن فرامی‌خواند و دنیای او را از او می‌گیرد و او را یکسره به سوی آخرت می‌کشاند، و نه اهمیت آخرت و سرای ابدی را سبک می‌شمارد، و ساده از کنار آن می‌گذرد. بنابراین کتابی است که به تعادل فرامی‌خواند، و چشم اندازی از انسان اخلاقی متعادل را به تصویر می‌کشد. نکته دیگر در این باره اینکه این کتاب، صرفاً به بیان یک سلسله آموزه‌های اخلاقی بسنده نمی‌کند، بلکه بسیاری از مواعظ آن، همراه با استدلال، و بسیاری از مباحث آن، مقرون با برهان است. و از این رهگذر، خواننده محترم با «فلسفه اخلاق» نیز روبرو می‌شود.

ویژگی دیگر این کتاب، نکته‌سنجی‌ها و دقت نظر مصنف بزرگوار در طرح مباحث اخلاقی و تبیین و توضیح آنهاست، به گونه‌ای که این، خود، امتیاز دیگری برای این اثر محسوب می‌شود. به عنوان مثال، وقتی نویسنده بزرگوار بحث «کبر» و «تواضع» را مطرح می‌کند، و به مصادیق آنها اشاره می‌کند، به مصداق‌هایی می‌پردازد، که برخورد آدمی نیز مشتبه می‌شود که آیا فلان ویژگی او «کبر» به شمار می‌آید، یا «تواضع» است، و آنگاه با بیان نشانه‌هایی، مرز میان این دو را مشخص می‌کند، و کار خواننده را در تشخیص این دو، آسان می‌کند. گرچه در پایان این بحث، مصداق‌هایی را نیز نام می‌برد، که به درستی نمی‌توان، مرز میان این دو صفت را تشخیص داد، و آنگاه نتیجه می‌گیرد که باید به خدا پناه برد، و از او درخواست توفیق کرد که در شناسایی این دو، آدمی را موفق بدارد، و به او مدد برساند.

این کتاب - با اعتراف خود مصنف بزرگوار - در طرح دیدگاه‌های اخلاقی خود، از «رسائل اخوان الصفا» تأثیر فراوانی پذیرفته است، به گونه‌ای که حتی اصطلاح «اخوان الصفا» به عنوان اصطلاحی ویژه در راستای ایجاد انس و الفت و مهربانی میان برادران دینی، بارها استعمال شده است. نیاز به یادآوری است که حدوداً دو بار، مصنف بزرگوار از «رسائل اخوان الصفا» نقد نیز نموده و با برهان به بازگویی این نقد پرداخته است، که نشان از نگاه نقادانه مصنف بزرگوار و نگاه اجتهادی و استنباطی آن بزرگوار به مباحث اخلاقی است.

ویژگی دیگر این کتاب، ساحت عرفانی آن است. در این اثر، دیدگاه عرفانی نویسنده بزرگوار، بسیار پررنگ است به گونه‌ای که سراسر این کتاب، آکنده از استناد به سخنان

عرفای بزرگی همانند: جنید بغدادی، ابوالحسن خرقانی، ذوالنون مصری، سفیان ثوری، یحیی بن معاذ، بُشربن حارث، ابراهیم ادهم، فضیل بن عیاض، سری سقطی، معروف کرخی، و دیگر نام آوران عرصه عرفان است.

در این راستا، دیدگاه عرفانی مصَنَّف رحمته الله علیه، درباره عناوینی همانند: نماز، زکات، روزه، حج و قرائت قرآن، بسی دلپذیر، شیرین و درخور تأمل و استفاده است.

بی گمان «عرفان»، بخش جدایی ناپذیر از «اخلاق» است، به گونه‌ای که، اخلاق، بدون عرفان، قادر نخواهد بود، همهٔ ساحت‌های روحی آدمی را پرورش دهد؛ چرا که یکی از ساحت‌های انکارناپذیر آدمی، ساحتی است که او در آن، به دنبال شناخت و معرفت است، و بدیهی است که این، «عرفان» است که پاسخگوی این ساحت از ساحت‌های معنوی و روحی آدمی است. و چنانکه می‌دانیم، همه کتاب‌های بزرگ اخلاقی همانند «طهارة الاعراق» ابن مسکویه و «معراج السعادة» ملا احمد نراقی و «احیاء العلوم» امام محمد غزالی، در کنار آموزه‌های اخلاقی، آموزه‌های عرفانی را نیز بازتاب داده‌اند، و بدین گونه در پرورش روح و روان آدمی، از «ساحت عرفانی» وجود او غفلت نورزیدند. ویژگی دیگر این کتاب، بُعد فلسفی آن است. مرحوم مصَنَّف برای اثبات «نفس» و بقای آن پس از مرگ جسمانی - که پیش مقدّمهٔ اثبات جهان پس از مرگ و بهشت و یا دوزخ است - از ادله فلسفی کمک می‌گیرد و با براهین حکمی و فلسفی به اثبات آن می‌پردازد. او در این باره، پا را فراتر می‌گذارد و متن کامل رساله «ابن سینا» در «معرفت نفس» را می‌آورد.

سرفصل این رساله عبارت است از: فصل اول؛ در اثبات این نکته که جوهر نفس، مغایر با جوهر بدن است. فصل دوم؛ در اثبات بقای نفس، پس از خرابی بدن. فصل سوم؛ در مراتب نفوس در سعادت و شقاوت، پس از جدایی از بدن.

باری، مصَنَّف رحمته الله علیه در رابطه با عناوین مهمی همانند اثبات نفس - که همواره معرکهٔ آراء بوده و برخی از فلاسفه، وجود آن را انکار کردند تنها به منقول بسنده نکرده از معقول و مباحث فلسفی نیز استفاده فراوانی کرده است، تا آنجا که در این باره، کفه معقول را بسی

سنگین تراز کفه منقول، آورده است، و این خود، از اهتمام ایشان به ذوق‌ها و گرایش‌های فلسفی مخاطبین خود، و نیز از عقل‌گرایی ایشان خبر می‌دهد. این شیوه، یعنی نشان دادن «تعقل» در کنار «تعبد» که خداوند در آیه ۱۰ سوره شریفه «مُلک» این گونه بر آن مهر تأیید زده و بدان فراخوانده است: «قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»؛ و گویند اگر می‌شنیدیم [و تعبد می‌ورزیدیم] یا تعقل کرده بودیم، در میان دوزخیان نبودیم.

باری، این کتاب، جامعیتِ مرحوم مصنف در منقول و معقول را به خوبی به تصویر کشیده است.

ویژگی دیگر این کتاب، ساحت ادبی آن است. مصنف رحمته الله علیه که خود، شاعر و ادیب بوده است، به این اثر خود، رنگ ادبی ویژه‌ای بخشیده است، تا آنجا که بسیاری از صفحات کتاب او آکنده از اشعار شاعران و استنادهای ادبی است. ضمن آنکه استعاره‌های فراوان ادبی که در کتاب او آمده است و فصاحت و بلاغتی که در سخنان او به کار رفته است، گواه دیگری بر ساحت ادبی کتاب اوست.

باری آدمی در طبع خود، «زیبایی طلب» است، و هر کجا زیبایی‌ای احساس و مشاهده کند، به سوی آن جذب می‌شود و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. و بی‌گمان یکی از مصادیق زیبایی، فصاحت و بلاغت در سخن و صبغه ادبی داشتن در نظم و نثر است. بدیهی است آدمی به دلیل «زیبایی طلبی» خویش که در طبع او سرشته شده است، بی اختیار تحت تأثیر این دست از سخنان قرار می‌گیرد، و ناخواسته مضامین آن را به یک فرهنگ در زندگی خود تبدیل می‌کند. اینجاست که «مضمون» سخن ادبی و همراه با فصاحت و بلاغت، بسی بیشتر از سخنانی که فاقد ساختار ادبی است، به دل می‌نشیند و در افکار و اخلاق و رفتار آدمی اثر می‌گذارد.

بنابراین بایسته است کتابهای اخلاقی، در ارائه آموزه‌های اخلاقی، بیشترین بهره را از «ادبیات» داشته باشند تا بیشترین ثمره اعتقادی و عملی را برای مخاطبان خود به همراه داشته باشد. از یاد نبریم که یکی از محوره‌های اصلی «اعجاز» قرآن کریم، همین صبغه ادبی و فصاحت و بلاغت بی‌مانند آن است که نه تنها موجب مانایی و جاودانگی آن شده است، بلکه دل‌های مستعد و جانهای آماده را در تأثیرگذاری، چنان

مسحور می‌کند، که شخص، بی اختیار - و البته ازدل و جان - مضمون آن را می‌پذیرد، و آن را در گفتار و رفتار خود، بازتاب می‌دهد.

به تعبیر یکی از بزرگان: «طبق ناموس طبیعی، که خداوند، طبیعت انسان را به گونه‌ای آفریده است که جذب زیبایی می‌شود، آدمی به سوی کلام زیبا جذب می‌شود، و چنین کلامی در او تأثیر می‌گذارد. طبق همین قانون قطعی و مسلم، هر فکر و اندیشه و مکتبی که از عنصر بلاغت، بیشتر استفاده کند، و از ادبیات قوی‌تر و غنی‌تری برخوردار باشد، پیروزی بیشتری کسب می‌کند. حتی مکتب‌هایی را می‌توان یافت که بیشتر از هر چیز به خاطر ادبیاتشان نفوذ کرده و مانده‌اند. می‌دانیم که در تعالیم اسلامی تا چه اندازه بر روی اخلاق و تربیت نفس و پیدا کردن صفات خوب و دور کردن صفات بد، تأکید شده است. و اینها همه در کتابهای اخلاقی گفته شده و حتی تحت نظام و قاعده علمی درآمده است، اما همین مطالب را متصوفه با ادبیات سرشار خویش چنان زیبا عرضه کرده‌اند، که همواره خواننده داشته و زنده مانده است... باری همه کاینات و هستی، از کوچک و بزرگ، بر پایه دقیق‌ترین اصول و نوامیس پدید آمده‌اند و بر پایه همان اصول و نوامیس، حیات و هستی آنها ادامه می‌یابد. یکی از این نوامیس، تأثیر شیء ملایم و مناسب، در نفس آدمی است. انسان از هر چیز خوب و زیبا و متناسب، خوش می‌گردد و به سوی آن جذب می‌شود. یکی از این چیزها لفظ فصیح و شیرین و کلام بلیغ و متناسب است. این، جعل و آفرینش الهی است که لفظ خوب، در جانها و دلها می‌نشیند و اثر می‌کند. بر عکس، لفظ ناهنجار و کلام غیربلیغ، کمترین نقش و تأثیری ندارد، و خستگی و بی‌زاری می‌آورد.

خداوند، خود نیز، مطابق ناموس و قانونی که قرار داده است، عمل فرموده، و کتاب خویش قرآن را در کامل‌ترین صورت فصاحت و زیبایی و بلاغت نازل کرده است. در واقع، همه آن جهات و معانی، در قالب بلیغ‌ترین و بالاترین نوع ممکن سخن ادا شده است، و بدین گونه قرآن، افزون بر دیگر جهات و جنبه‌های بسیار مهم آن، از نظر لفظ و بلاغت و زیبایی و فصاحت و وفور عنصر ادبی در آن، نمونه‌ای بی‌مانند است.

خلفای خدا در زمین نیز، از قانون الهی حکمت بلاغت پیروی کرده‌اند. بلکه این امر در وجود آنان منظور بوده است. آنان همه فصیح و بلیغ و نیکو و زیبا سخن

می‌گفته‌اند. از این رو آنچه از پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین و دیگر امامان علیهم‌السلام رسیده است، پس از قرآن، بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین کلام است. آنان خوب توجه داشته‌اند که باید سخن ارشاد و هدایت را به صورت جاذبه‌دار آن، ادا کرد، آن هم جاذبه‌اصیل که جزء عنصر ذاتی کلام باشد. به این حکمت، مقاصد تعلیماتی و مفاهیم تربیتی خویش را با لفظ بلیغ و سخن فصیح می‌گفته‌اند.

گذشته از این، آن بزرگواران به ناقلان و راویان کلام خود، همراه با حساسیت، توصیه می‌کردند که «کلام فصیح» آنان را به همان صورت درست و اصیل، روایت و نقل کنند. امام صادق علیهما السلام در حدیث «صحیح» می‌فرماید: «أَعْرِضُوا حَدِيثَنَا، فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ» سخن ما را به صورت درست، و واژه‌های آن را صحیح تلفظ کنید؛ چه ما قومی فصیح هستیم.^۱ باری آنچه از ویژگی‌ها که در این نوشتار برای کتاب «آداب النفس» برشمردیم، به این کتاب، جایگاه ممتازی بخشیده، و رتبه آن را در ردیف، کتابهای گران سنگ اخلاقی علمای بزرگ، قرار داده است. از این رو کتابی است در خور تأمل و استفاده برای همه مشتاقان اخلاق و عرفان.

و اما آثار دیگر مرحوم مصنف به نقل از کتاب «ریحانة الادب» از این قرار است:

۱. الاثنی عشریة فی المواعظ العددیة، ۲. حقائق الابرار و حقائق الاخیار، ۳. فوائد الحکما، ۴. فوائد العلما.^۲

در پایان، شایسته می‌دانم از دوست ارجمند جناب آقای سید محسن سید تاج‌الدینی - زید عزه - از بذل مساعدتی که نسبت به ترجمه و چاپ این کتاب شریف نمودند، کمال سپاسگزاری را داشته باشم.

سید محمود طاهری

۱۳۹۸/۱۱/۲۰

۱. محمدرضا حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، صص ۲، ۳، ۴ و ۷.

۲. ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۵۱.